تحقیق روان‌کاوی‌نامه داستان «سیذرانتا» اثر هرمان هسه

سیدمرتضی هاشمی
استاد دانشگاه اصفهان

افش خسروی

چکیده

تقد روان‌شناسی از شاه‌های بی‌بی که در ادبی معاصر است که خود زیرشاخه‌های
معتقدی دارد. یکی از آن‌ها تخد از دیدگاه کاری گوستار بی‌بی است. آثار هرمان هسه
را می‌توان از دیدگاه روان‌کاوی بی‌بی بخویی تقد و تحلیل کرد. زیرا اندیشه‌ها و
افکار او در موارد زیادی به بی‌بی شبیه است. آنها با هم ارتباط مستقیم داشتند. هردو
به سمل‌ها و نمادها علاقه‌مند بوده آنها را تفسیر و تحلیل می‌کردند. همه نیز مانند
بی‌بی درون‌گرا بوده و به حقیقی روانی فرد توجه داشتند و در آثارش جنبه‌های
اجتماعی کربن‌گر است. همه و بی‌بی علاقه‌مند به عرفان شرقی از جمله عرفان
هنده‌اند. هنگ چون‌زینگری بود که بی‌بی و همه را به هم می‌زنند داد. هند‌های در
جهان سمل‌ها زندگی می‌کنند. بر سمل‌ها تأثیر می‌گذارند و از آنها تأثیر می‌گیرند.
اگرچه علاقه‌ای به تفسیر آنها ندارند. سمل‌ها از موضوعات سود علاقه‌بی‌بی و
همه‌اند و فراوانی آنها در آثار هسه زمینه‌مناسب برای تقد و تحلیل از دیدگاه بی‌بی
قرار می‌گیرد. تحقیق در سمل‌ها که به آنها نماد و رمز زیست کمی شود و تلف
کهانی‌گری آثار ادبی، بی‌بی که در آثاری که از اعمال روح و روان انسان
برخاسته و درون‌گراهاند. شیری و مناسب برای درک معانی پنهان و تلف‌سه در
لاهه‌های روسافل و بی‌بی است. این تحلیل‌ها مشترکان و حقیقی موجود در روان

a_khosravi_fi@yahoo.com

**دانشجوی دکتری دانشگاه اصفهان**

تاریخ دریافت: 89/5/22
تاریخ پذیرش: 89/8/15
دوفصلنامه ادبیات و ادبیات فارسی، سال 18، شماره 69، پاییز 1389
کلیدواژه‌ها: سیاسی، پویانگ، کهن‌الگو، نامد، خودبایی.

مقدمه
روان‌شناسی به معنای عام در ادبیات از قدیم‌الایام مورد توجه بوده و موضوع جدیدی نیست. در اوایل قرن چهارم قبل از میلاد، ارسطو در تعریف خود از ترازوی رویکردها، روان‌شناسی را به‌عنوان آموزه‌ای از حالت ترس و ترحم برای اجادات ویلاین درونه مورد استفاده قرار داده است. اما نقد روان‌شناسی به نام‌یاد کرده و نظری‌های روان‌شناسی در طول قرن پیش‌تر به‌عنی پیس از فروید و پیراشی به وجود آمد. این نوع نقد که از شاخه‌های پویای نقد ادبی در دهه‌های اخیر و از تحقیقات و یوزه‌های مبانی‌شناسی است، خود دارای زیرشناسی‌های مختلف‌یا محدودی است که بخش عمده‌انها و امدادار ظهور روان‌شناسان و روان‌کاوان مختلف‌بای آرای متفاوت در طول قرن اخیر است. یکی از این شاخه‌ها روان‌کاوی یا پزیکتالیز است. پزیکتالیز روش تحقیق و تحلیل روان‌نواخت آگاه است و از آن دریابه تماشای تجربیات فردی، روشنی و اجتماعی می‌توان سود برد. امروزه به‌روشی به‌این اصل مسلم ادعاان داریم که روان‌کاوی کلیدی است قابل اطمینان برای گشودن رمزهای نحوه اثر ادبی (جوین، ۱۳۵۰: ۳۴۲). امروزه در آثاری که درباره نقد و نظریه‌های ادبی ندیم شده‌نقدهای روان‌کاوان و انواع مختلف آن نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد (رک ایگلدن، ۱۳۸۸، کلیگر، ۱۳۸۸؛ شیما، ۱۳۸۸).
کارل گوستاو یونگ در برنامه شناختی و روان کاوی نمایندگان نظریه روانشناسی تحلیلی شخصیت است. چکیده اصول نظریه یونگ این است که روان انسان دارای دو باختر خودآگاه یا هیستوری و ناخودآگاه یا ناهیستوری است. خودآگاه بخش با افعال روان است که زندگی روزمره را هدایت می‌کند و شامل ترکیبی از ادراکات آگاهانه، افکار، حافظه و احساسات است (روک، دارایی، ۱۳۸۶: ۷۸) و ناخودآگاه که قسمت عمده روان را تشکیل می‌دهد فعالیت ثانیه و بر روی آن به خودآگاه بستگی دارد.

مفهوم موجود در ناخودآگاه می‌باشد، ناشناخته و بدون صورت و شکل خاصی. باختر از این مفاهیم فردی و باختر جمعی و حتی نوعی اندازه‌گیری می‌باشد. این دسته‌ای را یونگ آر گروهی تایپ (که گروه‌های نامیده است) که نخستین موضع نظریه یونگ‌دان است. یونگ معتقد است معنویت ناخودآگاه یعنی گروه‌ها یکی که گفته به آنها صورت نوعی گفته شده ادراک‌ها در روان آمدی موجودند و باختر از ساختن روان آمدمی را تشکیل می‌دهند. به سبب انگیزه‌های دروتنی با یاری در خودآگاهی بی‌کلیه می‌شوند و خود را به خودآگاهی می‌شناسند. بطور کلی صورت نوعی عبارت اند از همه مظهر و دل‌خواهی می‌باشند و با دیگر روان آمدمی. ناخودآگاهی جمعی که از مجموع صور نوعی فراهم آمده به نشانه همیشه تجارب زندگی‌گانی بشر از آغاز تاکنون است.

(سناتوری، ۱۳۶۹: ۴۳۹).
هرمان هسه در سال ۱۸۷۷ در شهر کوچکی کالو در آلمان با به عرضه وجود نهاد. در نوجوانی و جوانی دچار بحران‌های روانی شد. طوفان هیجان‌ها و نگرانی‌ها پیوند او را به همیشگی گست و بحران‌های روانی او را شش‌ماه‌های کرد. برای کسب آرامش روشن شروع به خواندن کتاب‌های فیزیک کرد و جوون روز به روز حالت رو به وخت می‌رفت زیر نظر پروفیسور ونگ در آسیاب‌گو بهتر شد. یک مسئولی تأثیر زیادی در زندگی او گذشت. پس از بازگشت از آسیاب‌گو روایی به سوئیس رفت و خود را سوئیس خواند. از همین دوره شروع شکار یا نیاز کرد. یا مدتی راه زیگموند فروید را برگزید و به تجزیه و تحلیل خواب‌ها پرداخت تا این طریق به شکنجه‌های رووعی و روایی پایان دهد. دوبار از مراتعی که مبتلا به آن درست آمد. از سال ۱۹۲۰ به بعد توجه‌آور به شرق متعسف و به عرفان شرق علاوه‌سازی کرد تا به دلی این شکسته‌های معقدات و تفکرات هنی شد و کتاب مشهور سنپارترا را به رشته تحریر در آورد. سنپارترا که در محافل اروپایی شهرت زیادی به دست آورد داستان‌های نامان در راه خودشانی است. هرمان هسه توسط‌های درون‌گرا بود. اثر برگزیده او/اشتیان
ولف (آرگرگ بابان) است که نویسندگه را به دریافت جایزه نوبیل نانئل گردن. در این اثر هرمان هسه موفق شد بین دو جنبه تئوری و روح سازگاری و تعادل ایجاد کند. «رسالت هسه به گنجه خودش توجه و علاقه به دشواری‌های فردی است نه اجتماعی و در تمام آثار این تلاش به جشتم می‌خورد. از این جهت شیب زبانی به یونگ دارد» (شهباز، ۱۳۸۵: ۱۷۵). مرگ هسه در سال ۱۹۶۲ در سوئیس اتفاق افتاد.

در سیباورای هرمان هسه کهن‌الگوهای مانند رؤیا، تولد دوباره هرمان، عبور از رودخانه، آبی، پر خرد، پرنده، نبرد با حیوانات و مانند آن دیده می‌شود. این الگوهای در سیباورای آثار ادبی از گذشته تا حال دیده می‌شوند و تلاش مستمر انسان برای خودبایی و تفریق را به نمایش می‌گذارند. تفریق از موضوعات کلیدی نظیریت یونگ است.

البته باید توجه داشت که روبرویگر روان‌سنجانی به نهایی نمی‌تواند شوک تفسیری یکت اثر ارزشمند ادبی را کامل‌ا مورد بحث قرار دهد، چرا که هر روبیکرد محدودیت‌های خاص خود را دارد. مثل‌ا محدودیت روبیکرد سنتی نادیده گرفتن غواصی ساختاری اثر هنری است. از سوی دیگر روبیکرد صورت‌گرایی از مفاهم و زمینه‌های تاریخی و اجتماعی که ممکن است رابطه‌های ماهی در مورد بهتر یک اثر هنری فراهم آورده غافل می‌مانند و محدودیت گراین‌باین‌ر به درون‌شناسانی نارسایی‌های زبان‌سنجانی آن است. ولی این روبیکرد می‌تواند سرنخ‌های مهم برای کشف رازهای نامحدودیک (دoron ماندها یا موضوعی) یک اثر هنری ارائه دهد. (گورین و دیگران، ۱۳۸۰: ۱۳۹).

از آثار هرمان هسه گرگ بابان از دیدگاه یونگ مورد تقد گرفته است. برای نمونه کتاب تقد و تفسیری بر گرگ بابان هسه از جان. د. سایمون ترجمه فریدون
خلاصه داستان

سیزد دانان پسر یک برهم و پایه به آب و آینه‌های مذهبی بود که همراه دوست خود گوویندگا به شمان پیوست و مراقبت به‌شویان آنان و راه‌هایی باید کردن خوشی را آمخت. در همین این آوازه گوویندگا یا بودای درخشان که به نیرویان رسیده بود به گویان رسید و همراه گوویندگا برای یافتن گوویندگا به راه افتاد. گوویندگا را یافت و مدیر در کنار او زیست. پس از مدیر گوویندگا در کنار گوویندگا مانند و سیزد تا دوباره در اندیشه یافتن خویشتن به سفر ادامه داد. در گنبد یا رودخانه‌ی او به مردی گیل کش (قایقران) رسید و به یاری او از رودخانه یافته. شهر زورگی رست. گوویندگا زبانی روسی را دید و با یک نگاه به او دسته. به دیدار گوویندگا رفت. گوویندگا وی نزد گوویندگا یافتن گنگ گ شهر فرستاد تا از پادگان گانی بیاموزد و ثورت و دارایی فراهم کند تا بتواند به گوویندگا برسد. سیزد دانان سر گرم مهروزی‌ها، شادکامی و خوشی‌های خود شد. گوویندگا خوابی شگفت او را دمغگون کرد. همان شب باغ و شهر و گوویندگا را ترک کرد و هرگز یافتن گنگش. گوویندگا نیز تحت تأثیر سیزد دانان به گوویندگا علاقه‌مند و تصمیم گرفت از پروران او فروند.

به همان رودخانه‌ای رسید که قبل از آن عبر کرده بود. چهرته خود را در آب دید. تصمیم گرفت خود را در آب غرق کند. گوویندگا آوازه‌ای از دورتن جای روان‌شش شد. آوازه‌ای ۱. بود، یعنی «بی‌گانه کامل» یا «کمال». همچنان که زیر لام‌های می‌گفت به خوابی‌های فرورد فرو رفت. جنگیدار شد مانند آدمی تو به جهان نگریست. سیزد دانان دوباره

1 این کلمه ذکر مقدس هندوست و به عنوان سحر و ورد به کار می‌رود و رمز برمحمات. قیل از مانترا، (ورد، دعا) بر لفظ‌ها شکل تشاورش تمرکز می‌کند، (سربار، ۱۳۹۸: ۴۵).
یک تمرکز برداری که وارویوده واردا دیگر و از چاو وارا مانده و از اومروته که چگونه گیل را نگه دار. سیدارتات نزد
مرد گیل کش وارویوده واردا دیگر و از چاو وارا مانده و از اومروته که چگونه گیل را نگه دار. سیدارتات نزد
یکی شده بود. ار آوای رود را میشیند و مانند از میادینش. هردو یک گذشته
داشتن و از یک پرسش به یک باپسا شاد میشیند و سالها در کاره هم بودند. کامالا در
راه زیارت گوتامی به سیدارت برخورد. همانجا گرفتنتار مارگریدی گری. پرسش
سیدارتای کوچکی را به پدر سیرود و جان داد. پسر پس از مدتی پدر را ترک کرد و
به شهوت رفت و سیدارت در کاره رود مانند. ار پدر، پسر، گوییدن، کامالا و خوشش را در
آب می دید که یارای از رودخانه میشیند. وارویوده واردا در حالی که دانش و آرامش
سنگینی در دیدن سیدارتای می دید به میان بیشته، به درون یگانگی، رفت.

یک دیوان ثابت دانست

ناد (سیمبل یا رمز) از مهمترین دسته‌بندی‌های هرمان یا در آفرینش اثر ادبی است.
اکه نوبسته‌ای درون گرایست معنایی مورد نظر خود را در قالب ناماد به نمایش
می‌گذارد. آشناپی ای با پونک و علاقمندی ای به عرفان شرق بره نه، که سرزمین
نامادهست، نیز تأثیر فراوانی بر ار گذشته است. ار در سیدارتان تلاش انسان برای رسیدن
به خودآگاهی، خودیابی و تفرد را به گونه‌ای نمادین بیان می‌کند. در کهن‌ترین آثار
ابی جهان مانند، اسطوره‌گیل کمپسیسه‌ای از نمادهات که انگیزه موجود در دانست
سیدارتان ماند هرمان، رویا، گذار از رودخانه، آنها، به با حواشپاره، بی نه و... دیده
می‌شود. در آثار حماسی ثابت شاگردانه فردوسی نیز این نمادها دیده می‌شود.

کاربرد ناد در آثار هر ویژگی‌های خاصی دارد و آن این است که هرمان یا به
دلیل آشنایی با روایت کاوه و ارتباط با روایت کاوهی مانند فرودی و یوکس و مطالعه آثار
آن‌ها نمادها را می‌نشانند و آن‌ها را آگاهانه و هشیارانه به کار برده است. خاستگاه
نماتها در داستان سیبارتا خود آگاه‌تر از یکدیگر هستند و آن‌ها نمادها را می‌نواختند.
وی در آثار کهن معمولاً نمادها بی‌گونه‌ای ناشناخته و نا‌آگاهانه به کار رفته‌اند و
خاستگاه آن‌ها ناخودآگاه روان انسان بوده است.
بونگ در آثار خود بین نماد و نشان تفاوت زیادی قائل شده و معتقد است نشانه
نماتها با چنانی شی، یافته است وی نماد معنی گسترده‌تری دارد و حقیقتی روانی
را نشان می‌دهد که عیناً نمی‌توانند فرموله شود (ر.ک فرودهام، 1374: 17). نماد
گونه‌ای از بیان است که معنایی و مفاهیم غیرمحضوس، ناشناخته، رازناک و غیرقابل
پیان به شکلی مهم و غیرقطعی با یکی یا چند معنا در آن منجی می‌شود و معمولاً
معنی روان‌ساخته خود را نیز حفظ می‌کند. درم جزئی است از جهان ناشناخته و قابل
دریافت و تجربه از طریق حواس که به چیزی از جهان ناشناخته و غیرمحضوس یا
مفهوم جز مفهوم مستقیم و معنی‌بردار خود اشاره می‌گردد و آن چیزی می‌باشد که شرط آن که این اشاره
می‌باشد، یک افسانه وجود ندارد؛ و آن مفهوم نیز یگانه مفهوم قطعی و مسلم آن لبیک نگردد.
(بورنامداریان، 1378: 17). بسیار معنایی، عدم قطعیت و ابهام از مهم‌ترین ویژگی‌های
نماد است (رک آفاحسینی و خرمشرو، 1378: 17). نماد تصویر رساندن معنا رمزی و
آشکار کردن دنباله‌ای ناشناخته است و نمادشناسی شرح و بسط آن است. نماد ریاضی
عینی است که به وسیل طبیعی (آموزش داده شده) چیزی غیرتا یا غیرقابل مشاهده را
مجمو می‌کند و تصویری است و رساندن معنای سری رمزی (دالنوده، 1374: 10-9).
در آثار نامدارین کشف و تعریف و تأیید نماد بسیار مهم است، زیرا در یزد وارد آنها
اگر به معنی تحت الگوی تعریف شود، ممکن است معرفی عقلانی در سیستم و آرزوی می‌شود
(بونگ، 1372: 10-14). با توجه به مفهوم ارائه‌شده از نماد به برخی از نمادهای داستان
مورد بحث پرداخته می‌شود.
خواب و رؤیا

در داستان سیدارتای رؤیاهایی دیده می‌شود. مهم‌ترین خواب این داستان خوابی است که سیدارتای بس از دلسته به دنیا و لذت‌های آن دیده است. سپس از آشناپی با کثیف‌الهام و آموختن فون دادوتو، سیدارتای مدری توانسته شد. شادی، شراب، لذت، مهرورزی با زنان، گردآوری مال و... از دل سیدارتای کرد. او در دل دیگر شنیده و نگه‌بان خوابی شگفت‌آوری داده. کاملاً در لاله زرین کوچکی در خانه خود بی‌خود دیده رفته و زبانی نگم‌خوانی داشته. سیدارتای خواب دیده آن بی‌خود گنگ شده، وقتی به لاحق نزدیک شد، دید که بزرگ مره می‌کرد. سیدارتای آن را بیرون افتاد. خواب‌های وحشی در دل سیدارتار ایجاد کرد. گویی‌های وحشی ارژش‌پذیر و نیکی در دل داشت بیرون افتاد. از خواب پرید و ان‌دوهی شگفت‌آوری و چهار شد. تمام روز را در اندیشه‌های اندوه‌دار فرو رفت و همان شب هم‌دل‌یستگی‌ها را ترک کرد و تشیع فرد رفت (که، ۱۳۷۵: ۸۷). خواب، های پر رمز و راز دیگر نیز دیده می‌شود. پس از عبور از چنگال به کنار رودخانه رسید. خسته و فرسوده در حالی که زیر لب می‌گفت: «ام‌که خوابی زرف فرو رفت. خوابی زرف فرو که در آن خواب متفاوت ویل وقتی بیدار شد هم‌چون آدمی نو به جهان نگریست. نرم و ایسته، ام‌که را به خود می‌گفت که بگر آن به خواب رفته بود و اکنون چنین می‌گفت که بی‌خوابی همه خواب‌ها به بزرگ‌ترین آوردن دراز و ناگفتگون بوده است.»، خواب خوش و شگفت‌آوری بود. هر چه خوابی و شگفت‌آوری بود، گویی‌های خوابی و را چنین ناز شسته نتوانسته شود. جوانی نبودن و شگفت‌آوری پس از آن‌که سیدارتای گوی‌ها بدست داشت و به رودخانه رسید، شب هنگام در کلیه مهره‌های کبکی گوی‌ها و با خواب دیده که از اواخر پررسیدن. پس زرده و رفته است. او
گویندگا را در آغوش کشید. ناغهان دید که او دیگر گویندگا نیست بلکه زنی بود با سینه‌ای پر از شیر که از آن می‌نوشید (رک همان: ۴۲).

در فرهنگ هنده خواب و رؤیا اهمیت ویژه‌ای دارد. در اوایل‌نشاها این موضوع قبل بررسی است. در اوایل‌نشاها، آمده که روان انسان همه جهانی است و وقتی انسان به خواب می رود به زندهای درون خود راه می یابد و در انن، جای می‌گذيند (رک همان: ۱۳۷۵، ۱۰). در این بودا نیز شمار خواب‌های کهن‌گویندگی فراوان است. خواب و رؤیا در هنر مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته و در این مقاله مجال بازگویی آن تیست (رک کیا، ۱۳۸، ۱۷-۳۸)، ولی به طور کلی شاید بتوان گفت در جهان اندیشه‌هندی، برهمایی با بودایی، خواب راه ارتباط میان جهان ظاهر است با آنچه اوایل‌نشا «عالم فراز» می خواند و خواب‌گرایی دانشی است که ناگریز به‌حکم می‌انجامد» (همان: ۳۴).

زیگموند فروید، نیز‌گذار روان‌کاوی، رؤیا را شاهراهمی داند که به ناخودآگاه می‌رود. رؤیا از نظر فروید اساساً ارضاً نمادان خواست‌های ناخودآگاه است و در قابلی نمادین ریخته می‌شود (رک ایگلوتون، ۱۳۸، ۱۱۸). بیانگ نیز به خواب و رؤیا اهمیت زیادی می داد. او نیز گفته فروید معنا بود رؤیا... مهم ترین ایزین فنی برای راهگشایی به ناخودآگاه است» (بونگک، ۱۳۸، ۳۳). در تحلیل روان، کاوانه‌ای می‌توان گفته رؤیا نتیجه‌ای ناخودآگاه روان انسان است و ارتباط نگاتیوی بی‌وی دخالت‌هایی را به‌وجود می‌آورد. ناخودآگاه حاوی امیال مربوط به مطالعه است که ذهن خود آگاه می‌تواند به آنها چیزی بداند، در نتیجه، ناخودآگاه در دسترس خود آگاه نیست. برای تفکر مستقل هم نمی‌تواند به‌عنوان ناخودآگاه را بردار و راه‌های غیرمستقیم برای دسترسی به آن وجود دارد که اولین و شناختن آن رؤیا است (رک کلیگر، ۱۳۸، ۹۶). بنا براین گر فرد از نظر روانی آماده‌گی دکتر گویندی داشته باشد، رؤیا می‌تواند آن را در بخش‌هایی کنن. به‌نظر می‌رسد
متن در تصویر نمایش نشده است.
نیروهای اهیمتی می‌بایسته می‌کند. منشا کهن‌ترین قهرمان به قدمتی تیرن دوران تاریخ
یعنی به دوران استبانی انسان به هیاپی برمی‌گردد. استبانی به هیاپی برمی‌گردد
برزگترین دستاوردهای نیاکان انسان بود و تصویر کهن‌ترین قهرمان بناگر برپور
بر نیروهای جهان نتایج است. (۱۲۵۲، فیستان، ۱۳۸۳). این کهن‌ترین قهرمان از استندها
تا دستان‌های معاصر مانند سیلیارا به حیات بویای خود ادامه داده است. این رو
به عنوان کهن‌ترین قهرمانی راجو و زندگی به آن نگریسته می‌شود. این کهن‌ترین
هم برای جامعه سازنده است از دیدگاهی متفاوت کلیبرسی است.

در روان کاوی بوینگ قهرمان کسی است که تلاش می‌کند هنر عالی و دانی
وجود خود را پاسند و جنبه‌های دانی را در کنترل جنبه‌های عالی قرار دهد و به تعادل
برساند. در این مسیر پیچ در پیچ خود آگاه و ناخودآگاه با همدیک‌گرها به شناسند،
همفاوی شوند، مکمل یکدیگر باشند و به وحدت و تمایل به پرسند. اسطوره قهرمان
را سری و ناهماشته‌شده ترین استطهره این است... این اگر هم برای فردی که می‌کوشد
شخصیت خود را کشف و تأیید کند مفهوم دارد و هم برای جامعه‌ای که نباز به تثبیت
هویت جمعی خود دارد... به‌این توجه داشته که حال و هوای سر گذشت قهرمان در هر
dوره آن با روند انکشاف خویشتن خود آگاهی فرد و مسئولیت که در لحن‌های از زندگی
خود با آن رویه و می‌شود انطباق دارد. به‌یعنی دیگر، تحول نمای قهرمان در هر مرحله
از تحولات شخصیت انسانی بازتاب می‌یابد (بوینگ، ۱۳۷۸، ۱۶۲–۱۶۴).

در داستان‌های مورد بحث، سیادت از قهرمان روند خویشتن‌شناختی است. از آن‌جا که
نویسنده با تأمین آن، معنی زرف نفی در ورای آنها اشک‌آورد، خود هدف قهرمان را
تنی از کرده است. قهرمان در جستجوی خویشتن و با کبک درون خود بود. در سوپرایز از
گفته‌های کتاب‌های دینی، از همه برتر، در اولین‌شناختی سماوات از همین جهان که در
زرف‌های درون است سخت‌تر هم بود... روان تو همه جهان است... پس سرچشمه با کبک
درون خود از توده با کبک سرچشمه را درون خود جست، با کبک آن را به هنگی آورده...
آزمون، همراه فهورمان، از راه ترین و دریافت در کهن اگوهای است که در آثار متعدد دیده می‌شود. در آن به وقایع و خودبایی فهورمان بدی آزمون‌های دشواری را بگذراند. با پیروی فهورمان در هر مرحله، آزمون بعضاً آغاز می‌شود و تلاش فهورمان تلاشی مستمر و بسیار خواهید بود. هفته فهورمان نمونه‌های معروف این آزمون‌های اند. آزمون‌هایی چون نیبرد با حیوانات، گذار از جنگل و رودخانه، نبرد با زنان جاده‌گر، غله بر ازده و عبور از سرزمین‌های نارنجی با اشاره خشک و بی‌آب و علف و مانند آن صورت‌های نمادین آزمون‌نامه که پرورش‌گذاران در آن‌ها به منزله شناخته‌بخشی از روایت و توقف در یکدیگر تولید و متعادل کردن روایت است. پیام اصلی و مشترک همیشه این آزمون‌ها این است که به‌طور آزمون‌های دشواری را از سر بگذراند. آن‌گونه که از بی‌خردان ناامن خالی شود و خردمند و دانا از ماجرا به‌طور آرام، در مرگ تولیدی رمزی و تعلیمی در خود میرسد و چون مردی تازه از خود زاده شده (مسکوب، 1374: 32).

در این آزمون‌ها کرد به سایه و جنبهای منفی روایت خود آشنا می‌شود و آن‌ها را به کنترل در می‌آورد. نکته این است که همه این دشواری‌ها برای رسیدن به اماپات و کمال است که الهه نصب همه نخواهند شد، زیرا راهی بسیار دشوار است. افرایند

(همه، 1374: 32-10). فهورمان بدی آزمون‌های دشواری را یافت. برای اینکه با موانع بگذرد، به ریاضت زنده‌آورد. از دلیل‌گی‌ها و کامپی‌ها تیم شود تا درون‌ترین هسته خویشن را کشف کند. وجود فهورمان همراه همراه به مفهوم کهن اگوها آزمون است.
فردیت گاهی به عنوان سیری روان‌شناختی تعريف می‌شود که می‌تواند راهی لغزنده و پیچ در بیچ باشد و به نظر می‌رسد که بیشتر اوقات به جرخه‌های منتهی شود. در این سیر شخص می‌پایست با سایر روبه‌رویان و به‌دست‌خواند که با این جنبه ترسناک و غالباً وحشت‌ناک در خود زندگی کند. بدون شناخت اضداد، کمال یا تمامیت وجود ندارد. اهمیت‌بخش‌ترین آن‌ها تابیه‌های ناخودآگاه جمعی برخوردار خواهند کرد و این خطر وجود دارد که در بربر جذب خاص آن‌ها از پای در آیان، آگاه (فهرمان) خوش‌شناس باشد در پایان گنجی خواهد یافت که دستیابی به آن بسیار سخت است؛ یعنی جسمی‌ساز، گل زرین، سنتگی کمیا یا هنام و شکل دیگری که برای نشان دادن آرکی تابیه‌های تمامیت (کمال) اخود انتخاب شده است. شخص نمی‌تواند مطمئن باشد که به هدف دست خواهد یافت و خطرهای بسیاری در این راه وجود دارد (فوردهام، ۱۳۷۶:۷۸)

در داستان سیلبارتا عبور از جنگل، روبه‌رو شدن با زن جوان، عبور از آب، قربانی کردن، شستشو در آب، آشناهی با کاماسیا و دلیستگی به زندگی دنیایی، دلیستگی به فرزند و... آزمون‌های تمامیان انته که فهرمان پشت سر می‌نده. گاهی می‌لغزد و گاهی پیش می‌رود وی است تلاقی برمنی دارد نا به کمال می‌رسد و خودشان خویش را می‌پایده. نمونه‌ای از این آزمون‌ها به دلیل داشتن اهمیت خاص به مدارس مستقل بررسی می‌شود.

گذار از آب
یکی از آزمون‌های تمام‌پذیری که در داستان سیلبارتا به نکار دیده می‌شود آزمون گذشتن از رودخانه است. شکل ضعیف‌تر این آزمون تعریف این آزمون نیز در اندازه‌های اندازه‌های عبور شستشوی آبنی در آب دیده می‌شود. از نظر یونگ‌آپ سبیل ناخودآگاه است و تصویر در ریا و خود ریا نماد مادر حیات است، مگر، بازی‌ای و زمان بی‌کران است...
(اسماعیلی پور، ۱۳۸۲:۱۴۷). فهرمان در آغاز داستان قبل از اینکه سفر خودداشی را آغاز کند، خویشترا به آب می‌شود. این شستشو که جنی آینی دارد در حیاتی شستشوی روح و روان آن‌الودگی‌ها و پلیدی‌هاست. این آینی در شاهنشاهی فردوسی نیز در آوارن دیده می‌شود. رستم فهرمان ملی ایران قبل و بعد از بیماری آن‌الودگی‌ها و تن خود را به آب می‌شود. سیدن زید در آغاز داستان با انجام ایام آینی خود را از برف‌خی آلودگی‌ها پاک می‌کند و برای آغاز سفر به مقصد کمال آماده می‌شود. پس از دیدن کامالا نیز خود را در رودخانه بشت. در حیاتی او خود را از آلودگی‌ها پاک کرده.

در طول سفر نیز جنگلی از رودخانه می‌گذرد. آن‌جا که هنوز نوآموز است، به باری مرد گیل کش، از آب می‌گذرد و در پایان سفر که به کمال رسیده خود آموده که چگونه گیل را روی آب نگاه دارد و به تنهایی از آب می‌گذرد. گذشتند از آب نیز نمادی برمعنا و پرکاربرد است. در شاهنشاهی نیز بسیاری از فردهمانان از آب می‌گذرند. در اسطوره‌های ایرانی همه فردهمان به سادگی از آب می‌گذرند و گذار از آب نمادی اساسی از حمایت یزدیان فهرمان ایرانی است... در آب اندادن و به سلامت گذشتند از آب نیز به اعکان و سرد در ایران باستان متداول بوده است... قدمی معقید بودند که آب گنگه‌کار نمی‌دهد و گنا سر گنا را از بین نمی‌برد" (رستگارفسایی، ۱۳۸۳:۱۲۵-۱۲۴). این برداشت از اسطوره‌های ایرانی را می‌توان به آزمون‌های گذار از آب در سایر اساطیر نیز تعیین داد زیرا جنبه کهن‌الگویی دارد. در داستان سیدارنا رود به‌هشتمان آموزگار است. رود همه چیز را می‌داند. همه چیز را می‌توان از آن آموخت. هم‌اکنون از رود آموزخایی که رو به پایین و فن واکنش‌ین و جستجوی زراها خوب است؛ (همه، ۱۳۷۷:۱۴۹ و ۹۱). مرد گیل کش نیز همه چیز را از رود آموده‌اند.
معنی نمادین آب را می‌توان در سه مضمون اصلی خلاصه کرد: چشم‌های حیات، وسیله ترکیبی نفس و مرکز زندگی دوباره. این سه مضمون در قدمتی ترین آثار به شری دیده می‌شود (درک شوالیه، ۱۳۸۴: ۷). آب چون داوری خردنده است که قهرمان با گذار از آن در آزمونی بزرگ پیروز می‌شود. نکته این است که سیزارت‌ها در پایان گذار از آب ناخودآگاه خود را شناخته و بر آنانتوانه یافته و به فردیت و رشیده است. با ماندن در کنار آب به حیات و زندگی دوباره دست یافته است. از این رو هر سه مضمون فوق از داستان قابل برداشت است. ندای رودخانه آغاز حیات تازه‌ای را به ای نوید می‌دهد: شروع ریاست، آرامش و سرآرام خردنده (شهازی، ۱۳۸۵: ۷۳۲). رود روان است و باز هم آنجا هست.

درخخت

یکی دیگر از نمادهایی که به نوعی با روان قهرمان ارتباط دارد نام‌داده درخت است. تصویر مثلی درخت از دیرینه‌ترین بانگان انسان و زرف ترین خواسته‌های اوست. این تصویر زاینده انسانی از مبنا است. گاهی محور و ستوت کیهان است. گاه درخت زندگی یا درخت شناخت نیک از بد است. گاه درخت مرگ و زمانی درخت آبود قدمسی است. در برخی نمادها زمان را تعیین می‌کند و گاهی درخت بی‌مرگی است (درک بیکوور: ۳۰-۸۳).

این نماد که در داستان مورد بحث به صورت بیشه و جنگل و گاه به شکل درخت ظاهر می‌شود نماد روانی و نشانه بالاندگی و انکشاف روانی قهرمان است. شمندن در جنگل می‌زنده، گونتمای رخشان در بغ آنانایندیکا خانه کرده است. هنگامی که او روشی را پذیرا شده بود زیر درخت بود (درک همس، ۱۳۷۷: ۴۵). سیزارت‌ها اولین بار کاملاً را کتار باغ زیبا و بی‌نردی دید. رودخانه‌ای که قهرمان را پدید کرده و به نخود آورد در کنار درخت بود. یک‌بار سیزارت‌ها بازآن خود را گرد تنه درخت بست.
و زیر بای خود به پایین به آب سیز خیره شد که تندا می‌گذشت. در جایی دیگر از داستان سیزارا و یاد ریشه‌های درخت نهاد و خواهید در خوایی و برای خوایی زرف فرو رفت. وقتی بیمار شد از دیدن آسمان و درختان شگفت زده شد (رک همی، 1376: 79 - 82). تنها درخت نمودار من (نفس) و قدرت (من) است. ریشه‌های درخت می‌ین ناخودآگاهی و ضبط و ربط کمیابی موفق آن است، (بیکور، 1378: 28).

روش‌های در زیر درخت نارگیلا با واژه امام که بر لب داشت او را به خود آورد به (ره، 1377: 10). نویسنده در توصیفات خود بر وجود درخت باغ جنگل و پیشه تأکید می‌ورزد زیرا در روان کاوی یونک دیک درخت و گیاه کهن سال نماد بالندگی و انکشاف زندگی روانی است...

(بیکور، 1387: 242). فهم‌نامه که از جنگل یا بیشه‌ای می‌گردد در حیات در فرآیند خودبایی قرار دارد و بخشی از روان خود را کشف می‌کند.

در داستان سیزارا به آزمون درخت نزد اشاره‌ها گذرا شده است. بعد از اینکه سیزارا برای بار اول از رودخانه گذشت، قبل از اینکه به وی کاملاً پیوندیده، از میان دهگاه‌های عبور کرد. زن جوانی یبر سر راه او قرار گرفت و او به خواهد تن و جفت خواهی فرا خواند و باعث ایجاد جنگی جفت خواهی در سیزارا شد. در این قسمت داستان ماه گزاره زنان بخواهند مردی را به بهره‌مندی از مهربانی بخواهند، ادعا و حکاتی خاص در می‌آورد. این فراخوانی را در کتاب‌های پاک بیا بر فتن از درخت خوانده‌اند. این فراخوانی در حقیقت آزمونی است که در آن فهم‌نامه به وجود نیروی در خود یبر می‌رسد. نیرویی که تا آن زمان در ناخودآگاهی نهفت بوده و از آن پس بیدار شده است. وظیفه فهم‌نامه این است که این نیرو را با استعداد و آن را کنترل کند و اینکه به اینکار آن پردازد. از این روز در آزمون درخت نزد فهم‌نامه بخشی از ناخودآگاه

Downloaded from jpli.khu.ac.ir at 21:20 IRST on Friday December 7th 2018
خود را کشف می‌کند. روانشناسان آزمون درخت را به صورت روشنی که جنب
ناخودآگاهی آدمی و تعادل و مرحلة رشد وی را باز می‌تانند، به کار می‌برند (بوکر،
38:۲۸). هرمان همه با توجه به شناختی که از سیمی‌ها و معانی رمزی آنها داشته،
به گونه‌ای هزینه‌ها و بر اساس طریقی مناسب این سیمی را در کنار سایر سیمی‌ها به
کار گرفته و از آن سود جسته است.

آیینا

آیینا (وجود مادی) از مهم‌ترین موضوعات نظریه روان‌شناختی تحلیلی شخصیت
یونگک است که به کشفیه‌ای به دو صورت سازندگی و ویرانگ نمود پیدا می‌کند. آیینا
تجسم نامگرایی‌های روانی زنان در روح مدرست و می‌تواند جنبه مخرب و منفی
یا سازندگی و مشت داشته باشد. به همین دلیل نامه‌های زنانه در دو نفیش منفی و بای
خبیک‌زدایی‌های کاملاً متعارض در استرس‌های ظاهر شده‌اند و پس از آن به حامی‌ها و
داستان‌ها راه‌پایان‌های ویرانگ نموده‌اند و در داستان‌های رمزی از یک سو آفرینش‌های
زاپینج، سازندگی و از سوی دیگر ویرانگ، کشنده و مخرب است (ر.ک. موسمی و
خطری، ۱۳۸۷: ۱۴۲). یکی از جنبه‌های مثبت آیینا این است که هرگاه در نوعی
مرد از تشخیص کش‌های پنهان ناخودآگاه عاجز شود، به یاری وی پشتیبانی تا آنها را
آشکار کند. نقش حیاتی در عنصر مادی‌های این است که به ذهن امکان می‌دهد تا خود را
با روش‌های واقعی درونی هم‌ساز کند و راه به زرف تری خوش‌های وجد پیدا و
عنصر
مادی‌های این دریافت و پژوهش نهایی‌های راهنما و مبنا‌جی را مانند "دین دوآردویی"
یعنی "خود" به عهده دارد (یونگک، ۱۳۸۷: ۲۷۸).

شکل منفی این الگوی که نیز زمانی بروز می‌یابد که سعی دارد قهرمان مدرد را
تکامل و خودشناختی و تقریبی باز دارد. یونگک معتقد است هر صورت مثالی فرد نه
نیک است و نه بی، بلکه نیروی افسون کش‌های است که به لحاظ اخلاقی بر انتخاب و

دوفصلنامه زبان و ادبیات فارسی، سال ۱۸، شماره ۹۹
تجلیل روان‌کاوی‌های داستان اسیدترا اثر هرمان هسه، صص ۱۷۵-۲۰۲، ۱۳۷۲

ناگهان آن همه جادو از جهان خنده بر لب زن جوان نابیده شد. سیدارتا دیگر جزئی نمی‌دید مگر نگاه سوزان زنی خواهان راه (همه، ۱۳۷۶، ص ۴۷). این قسمت داستان شاهدی به ماجراهای رستم در خوان چهارم و روهور شدن او با زن جادو دارد.

پس از گذار از رودخانه و پس از آزمون فوق، هرمان به آنیمی پیش و سازنده می‌پیوندد و آن کامالا، زن زیبای روسپی، است. کامالا نماد آنیمی پیش و سازنده است. فهرمان را با جنبه‌های ناشناخته روان خود آتش می‌کند. زن زیبای روسپی که هدایت گر انسان می‌شود جنبه کهن‌گویی دارد و در اسطوره‌ها حماسه گچ‌گمش، کهن ترین حماسه تع، نیز دیده می‌شود. شاید تام زن روسپی معبد بود که آنیمی دانسته‌ها و نیمه‌حواره‌ها را رام و ممدوح کرد. از این رو، روسپی بودن زن منافعی با پیش منابع خوش‌گذاری او تدار. زن روسپی مدام نیمه پنهان ناخدایگه ویران زده فهرمان است که هرگز در زندگی خود آگاهش با آن روبه و نگشته و گرچه جان‌های پنهان دارد، همواره برای او موضوعی ممنوعه است (رک. بونگ، ۱۳۴۴: ۴۳۸). سیدارتا پس از دیدن کامالا دلسته او شد. کامالا نیز او را دوست دارد. پکنیک دستور داد جام‌هاي
صدای به او و به تنهایی (۱۳۷۷: ۱۴۵) (جامعه سیاسی می‌تواند نماد یاکی و خودمندی و آگاهی باشد). کاملا وی را نزد کاماسوامی بازگان برگ شهر فستاد نا تا او بازگانی پیامبر و تروت و دارای فرایم کنندا بتوانند به کاملا برسد. به این مناسبت روابط او با مردم گسترش یافته. با این کار کاملا در حقیقت فهمان را به آزمونی دشوار روانه کرده‌بود. نکته قابل تأمل شاهد نام کاملا و کاماسوامی است. این شاهد می‌تواند توانای همسویی دو شخصیت در بالدیگی و پالودیگی روح سیاشارتا باشد. سال‌ها سبزی شد. کمک شادکامی، سوداگری، آزموندی و گناه سیاشارتا را به دام اندارد. او دیگر در دل شن نبود. هر روز برتر می‌شده در حالی که به خواهش‌های تن و شرایب و گرد آوردن نیاز پنهای میرد. لگه‌های خویابی شکست و را بیاد کرد. کاملا نیز تحت تأثیر سیاشارتا به گوتا علاقه‌مند شد و تصنیفی گرفت از پیروان او شود در حالی که باردار سیاشارتا کوچک‌بوکت. کاملا موجی شده بود سیاشارتا جبهه‌ای منفی درون ناخودآگاه خود را مشنامی و بعد از مدیت درخواهش‌هایی این فرآیند در نضات نقش مهم‌هایی دارد، زیرا برای آگاه کردن انسان از قسمت خود آگاهش و تربیت راه متمدن کردن او نیست و به هر صورت بهترین راه نیست. یک‌راه بساز رضایت بخش ترین است که به‌چگونه اجزای متعدد، انسان را به‌عنوان یک کل در نظر بگیرم. آن‌چه ضروری است این است که به ازهم گیسیختگی مهلکی که بین وجود عالی و دانی انسان وجود دارد، دستور توقف دهند. در عوض می‌باشد انسان خودآگاه را با انسان بودی‌یکی و متحد کنیم (سیروانی: ۱۳۸۸: ۶۶–۶۵) زیرا هر گزینه‌کن نین گناهکار گناهکار یا یک یکدیگر. به‌ود در ناس آن‌داز و دزد حسرت و دزد در برهم نیز هستند (۱۳۷۷: ۱۴۷۷). یک‌گزینه‌گر تختی کاملا به سیاشارتا این بود که جبهه‌ای منفی سرکوب‌شده و توهینه روان وی را از شانس‌های و سرانجام و را ازبین‌برد. ترک آنها کرد. ذکر این نکته نیز لازم است که مهور زرینی سیاشارتا یا کاملا و روابط جسمی آنها حوش‌پاشی صرف و لذت‌جویی نیست بلکه رمز آشتبیداد.
است. اجناسیت در هند نوعی مذهب شده است، حال آنکه در غرب خفت و خیز جنسی، خوشبختی و لذت جویی صرف است. هنگامی که نهایت رابطه شخصی میان دو فرد: زن و مرد، نمی‌دانند، بلکه آن را آشیانه اضداد که در غرب از هم جدا مانده و دور افتاده‌اند نیز می‌بینند. به بینی دیگر، هنگامی جنیه معنی و معنای مبنی آمیابی جنسی را باور دارد و یونیک نیز برای باره است و هنین اعتقاد سرتنگ موجب جداپذیری از فروید نشده (سنتاری، 1389: 48). از این رو، آمیابی سیزدارتا با کامل‌گی به خشونت از ناخودآگاهی خود ایستاد و وحدتی است که بین اضداد خود آگاه و ناخودآگاه به وجود آمده است. چنانچه پس از یک رابطه جسمی با کامل‌گی، سیزدارتا در گی‌بودن موفق و اغلب نهایی خود ادامه می‌دهد در نهایت به تفکر می‌رسد. در اندیشی داستان نیز زنی که به سیزدارتا و گووندنا خوراک داد و محل زندگی گوتا می‌رود به آنها آموخت، نام‌آمیابی مثبت و سازنده است که چون در اوین مراحل فرآیند خودپیمایی ظاهر شده نفیشی از کامل‌گی کردنگ تر است.

برنده

یکی دیگر از نمادهای قابل تأمل نما پرنه است. وقتی سیزدارتا دلسته نمی‌باشد و تعلقات آن شده بود، خواب دید پرنه در کودک کامل‌گی مدرسه است. نویسندگی خود روز گشتی کرده است: آن پرنه نمی‌پرده در گذشته بود. مرگ آن پرنه که سیزدارتا خوابی دیده بود پرنه درون ذل خود و پرده به خود بازگشت با خود گفت: پرنه درون من نمیده ایست... باز هم آن ورز پرنه درونت را شنیدی و دنبال آن ادی (هیه، 1377: 84). هنگامی که سیزدارتا به خود آمد و از
شهر، کامالا، ثروت و دادوسته در کن رو به سفر به دنیایی ادامه داد و دیگر برگشتند.
کامالا فقیری را باز کرد و پرنده را هم ناماد بخش ملکوتی روان سیلراتور بود آزاد کرد.
پرنده به عنوان ناماد عالم ملکوتی در مقابل عالم خاکی ملحوظ می‌شد. حتی به طور
جامع، پرندگان ناماد مرحله معنوی، ناماد فرشتگان و ناماد مرحله برتر وجود هستند.

(شواليه، ۱۹۸۶: ۱۳۸). سیلراتور با رهاشدن از حالات مادی و خاکی به جنگی روحانی و
برتر و ملکوتی خود جان دوباره بخشیدی و در داستان، این حیات در وجود پرندگان ناماد
شده است. این نامادی داستان، طوطی و پازرگان، دنیامی فراپا باید می‌آورد. در دنیا بیز
پرندگان مرز جان است و بخش اصلی و رمزآلود داستان در هنر رخ میدهد.

پر خرد
در طول سفر و حتی قبل از سفر، هنرمندان راهنمایان و آموزگاران داشت که او را در
سفر روانی بهار نزدیک کردند. نمونه بی‌پیان آنها گوتاما بود. پرتری بین شمندان نیز می‌توانست
دیگر است و او برای بخش‌های بی‌پیان در دانشگاه‌ها و دانشگاه‌های دیگر می‌توانست
مناسب خواهد بود. گیل کشی که نوشته‌های نزدیک به جنگی و راحت‌شانده گیل کشی
در ایام بی‌پیان است. پر خرد که لهگی را به است که در برابر پر مکار قرار دارد.
صورت مثالی نیرو، رابطه‌ای که با دست و درون دارد و در اندیشه‌های عقلانی نزد نترس
دیده می‌شود. پر از دیکوست که همه اندیشه‌ها و نیروهای روشن با و را به سوی
ختودش در می‌کشد. پر با چیرگی شگرفی که گلد و درون پرود چهار وا به او بیار
می‌شود، توانایی های نهفته یا رهبری انگیزد و جمع‌های جوید دریافت را
می‌فرشته. اما بدین سخن به دلیل دیپش راه می‌برد، با آسوره‌ها و رفتارهای
ستیزه‌های گنجایی با پرود گواردی او می‌افزاید و... جان پر هم چون آیشه‌ای است که
پرتوهای شناخت و آگاهی را از جهان نهان بر پرود می‌نابانند، (کرزا، ۱۳۸۰: ۲۰۳).
پردرگاه معنی است این چهار به شکل نمادین به صورت پر خردمند، گنجینه،
تجزیه و تحلیل روان کاوانه داستان اسیدارتا، اثر هرمان هسه، صص 165-175

آموزش دهنده اسرار و... گاهی نیز به صورت هایی مثل پیرگیزان، اسب، سوار جوان و... ظاهر می‌شود. در داستان سیدارتا، پیر خرمندی به شکل پیرمرد گیل کش ظهور ییدا کرد. این خرده ایست. اما آیا پیکر و ناپذیری است که از آن‌گونه‌ها رها شده و به کمال رسیده است؟ ام این داستان این و پدر راهیما و فرآیند نجات و در روان‌شناسی، یونگ، نماد «خشن و لنکر» است (رک اسامی، پور، 1382، 47). در گیل گیل، پیر خرمندی به نام اوتاپیشیم وجود دارد و وجود این پیرگیزانی که در آنان صورت مانند را نشان می‌دهد. در اسطوره‌های پولانی قیمون بپیره خردن است که با پژوهای کردند از خدایان کاهن آنان شده. در شاهنامه نیز زال نماد پیر خردن است. در شاهنامه زال هم پدر جامعه است و هم پیر راپز. اما می‌توانند نمونه انسان کاملی باشد که به مرحله پدران پیر رسیده است. اما یک شویزگان و پیرترین رایزن و راهنمای شاهنامه است و از سوالی‌های سپرده خرمندی، حمامه ملی است و این دو ویژگی به معناه خرمندی و دانایی است (رک موسیو، خسروی، 1382: 199). هرمان هسه با شناخت این صورت مانند مرد گیل کش را نماد آن خراب‌کننده است. خویشکاری او تا زمانی که فهرماه به مقصود نرسیده ادامه داده و لی هنگامی که فهرماه به مقصود رسیده و به تعلیم و تماست دست یافته، نیز ناپذیره شد و پس از پیوند وی به پایان رسیده بود و این در حالی بود که سیدارتا خود گیل کش دانشمند شده ببین خود پگاه گشته بود.

سفر و سفر تهیه

از دیگر مفاهیم کهن الگوری داستان می‌توان به سفر و سفر تهیه فهرماه اشاره کرد. پس از اینکه سیدارتا در شهر خود از پرحاون آموزه‌های لازم را به دست آورد، شایستگی او برای رسیدن به کمال آشکار گردید. با دیدن شمندن سفر خود را آغاز
کرد. این سفر نمادین آغاز تلاش قهرمان برای خویشتن‌پایی است. تا نیمه‌ی راه گوویدن، همراهی پی انتظار، و پس از آن باید به تنهایی به راه خویشاندمه دهد و از موانع‌های مبتنی بر نماهایی تعلیق است. این نمادهای مсенه‌های ناخدال آگاهی را در فرم‌های می‌کندی که با آن‌ها آغاز تلاش قهرمان است. نمادهایی که به نوعی سفر زیارت روحانی شما در ارتباط با آن‌ها کشف مرگ ناحیه می‌شودند. اگر در این سفر، قهرمان از نظر دوستی از ارزش‌ها فرامرزی و فقط به کشف حیاتی نازه زندگی بنده فی‌اف پایه نخواهد داشت. از بریدن به آزادی و رها در پایان این سفره‌ها از آرام می‌داند (ر. ک. یونگه، ۱۳۷۸:۲۲۷). اینکه سفر تنهایی پس از پشت سر نهادن آزمن های آغاز می‌شود به این دلیل است که فرآیند تفریق زمانی آغاز می‌شود که فرد خودی از آگاهی و شناخت را به دست آورده باشد. فرآیند تفریق فرآیند است که در طول زندگی شخصی به تدریج تکامل می‌یابد و به طور قابل توجهی این تکامل بیشتر در نیمه‌های دوم زندگی روی می‌دهد... فردی معقولاً هدف‌ای بی‌این‌الی برای یک جوان نیست، بلکه بیشتر مطلوب برا ی شرکت رپیدیته است... وقوع این موضوع در میان سرد میان پیاسته نادر نیست، آن‌هایی که در نسیم زندگی خود موفق بوده‌اند و به‌طور ناگهانی با یک احساس خلا و فقدان معنی در زندگی بی‌پایان می‌شوند (فوردهام، ۱۳۷۸:۸۵). و وجود این خلا در داستان سیل‌بار، به صراحت می‌شود او به دنبال یافتن خویشتن‌پایی در این نظر احساس خلا می‌کرد. سفر تنهایی آغاز تلاش وی برای برپاکردن این خلا است.

نتیجه‌گیری

داستان سیل‌بار، یک‌گانگ کشکش‌های درونی انسان و تضاد نیروهای منفی و مثبت و منفی درونی و رنج انسان برای به کنترل در آوردن نیروهای منفی و رنجی به خود واقعی و نفرد
کهن‌گو‌ها و نماهای موجود در این داستان متأخر در داستان‌های دیرینه مانند استفوردی، گمش و حماسه‌های کهن نیز دیده می‌شوند. عوامل، حکایت و حتی صورت‌های برز نماهای دارد این آثار شاهت فراوانی دارد. این اشکالات نشان می‌دهد انسان درای فضو و روان مشترکی است که گذشته قرن‌ها و تنوع مکان‌ها آن را زاینده کرده.

انسجام و پیوستگی نماهای نیز قابل تأمل است. در داستان‌های رمزی نماهای به شکلی مفصل، به هم‌پوشته‌های واحده ذبیح می‌کنند و همین‌هندی که ریشه در روان انسان و میل فطری او به کمال و تعالی دارد، انسجام‌بخش آثار رمزی است. انسان نویسنده در طول تاریخ زندگی خود فرهنگی نوعی است که در تلاشی مستمر و دائمی برای دست‌بامی به حیاتی بشری و متحمل‌ترین می‌کوشد. او که دریافته خویشتنی ارزشمند و برتر از سایر آفریده‌های دارد، همواره درصد پایین‌اند آن است. فرهنگ با پیام آزمون‌های دشواری را بیشتر سر نهاد و بی‌آن‌های خویش بخود راه‌های به تلاش ادامه دهد. ناکامی در پیان به گنج بارزش «خویشتن» دست یابد. انسان موجودی دوستدار است. در ناخودآگاهی روان او نیروهای مثبت و منفی در کنار هم وجود دارد. آدمی برای یاری رسدین به تمامی و کمال ناگزیری باید آن‌ها را پیش‌نیامد و جنبه‌های منفی و محروم را کنترل کند. سیدیارتا فرهنگ باعث این عرصه است. سعی او در اکثر و نفع سایه و محبت کلی آن نیست. اما سایه را می‌شناسد و به کنترل خودآگاهی در می‌آورد. زیرا اخضرب روز

برگردندن از آنجا منفی است نیست، بلکه تجربه کردن و ادراک آن به کامل می‌ترین
دوفصلنامه زبان و ادبیات فارسی، سال ۱۸، شماره ۴۹

 نحو ممکن است. زیرا خودشناسی فرآیندی است که به ساخت و ساز با بیگانه با غیری که در وجود ماست رهمنون است، (ستاری، ۱۳۸۶، ص۳۹۵). گرچه این راه لفزان و دشوار است و سیدارتا گاهی می‌لغزد و می‌افتد، در نهایت پیروزماندگانه از سفر بازیم گردید و در کنار رودخانه که نماد حیات و زندگی دوباره است خود را می‌پاید و خویشتن را پیدا می‌کند. خویشتن که چون رود هر لحظه روان است، در حالی که هیچ اده و نوه‌ی مولود می‌گردد و هرمان همه با شناخت سبیل‌های موجود در فرهنگ هنده آگاهانه از آن‌ها برای بی‌تین این معنای از جسته است. آن‌چه نویسندگان می‌تصور کشیده داستان دیرینه‌ای است که هنوز کم‌هنا نشده و همچنان زنده و پیوسته، زیرا مشترکان روانی و قطعی نوع انسان را در مسیر تفرد و خودپایایی به تصویر کشیده و این معنای مشترکی است که اسکوئر، حماسه، عفران و برخی از خانه‌های معاصر را به هم پیوند می‌دهد.

منابع
آقاخسیسی، حسین و اشرف خسروی (۱۳۸۹)، امامی و جایگاه آن در بلاغت فارسی، مجله بوستان ادبیات. دوره دوم. شماره دوم: ۱۳۰.
اسماعیل پور، ابولقاسم (۱۳۸۲)، زیرآسمان‌های نور، تهران: اتکار.
ایگلتوئن، تری (۱۳۷۸)، بی‌شمار کتاب محبت و ادبی. ترجمه عباس محمر، تهران: مرکز. بیلسک، ریچارد (۱۳۸۴)، ترجمه حسین پاینده، تهران: طرح. نوپورنامه‌ای، نقی (۱۳۸۸)، اصل و داستان‌های مرزی در ادبیات فارسی. چاپ سوم. تهران: علمی و فرهنگی، گویش‌زی، ارست و دالیه بیز (۱۳۵۰)، اصول روان‌کاری. ترجمه هاشم رضی، چاپ سوم. تهران: آسیا.
تحلیل روان‌کاوی‌های داستان اسدیارتا اثر هرمان هسه، صفحه 175-202، کتاب 201

دارایی، جعفر (1384) تئویری‌های روان‌شناسی شخصیت (رویکرد مقاپسی‌ای)، تهران: آییر.

d) فردا، م. لوفلت (1344) زبان رمزی انسان‌ها. ترجمه جلال سلیمانی، تهران: توس.

رستگار فاسی، منصور (1383) پیکره‌گرانی در سایین. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

سنایی، جلال (1366) زمین و مدل در روان‌کاوی، تهران: توس.

سنایی، جلال (1386) عشق چوینه‌ای. چاب پنجم، تهران: مرکز.

سربل، میگوئل (1385) با یونگ و همسه. ترجمه سیروس شمسا. چاب دوم، تهران: فردوس.

شمسا، سیروس (1386) تقدیبی از ویراش دوم، تهران: میترا.

شوالیه، زان و آن گریت (1384) فرهنگ تاریخی، ترجمه و تحقیق سوداها فضایی، چاب دوم.

تهران: جی‌بی‌وی.

شهاز، حسن (1385) سیری در برگذاری کتاب‌های جهان، جلد دوم، چاب، تهران: ایران کتاب.

فوردهام، فریدا (1374) مقدمه‌ای بر روان‌شناسی بیكنک. ترجمه حسن وقطع بور، تهران: اوجا.

فیست، جس و گریگوری چی‌فیست (1388) تئویری‌های شخصیت، ترجمه حسین سید مهدی‌ی، چاب، تهران: جهان.

کرکی، میرجلال الدین (1380) تئویری‌های دیگر، تهران: مرکز.

کلیگر، میری (1388) درست‌نمایی و نظریه‌ای، ترجمه جلال سپهری، تهران: اختران.

کیا خجشه (1388) خواب و پندار. تهران: مرکز.

گورین، ول‌فرد و دیگران (1380) راهنمای رویکردهای نقد ادبی، ترجمه زهرا مسیمی‌خواه.

تهران: اطلالات.

مسکوب، شاهرخ (1374) از پنهانی و روان خردمند، (مجموعه مقالات)، تهران: طرح‌نو.

موسی، شیخکاظم و اشرف خسروی (1387) آلبوم و راز اسرار خواهران همسرها در شاهنامه.

فردوسی، پرویش زنان دانشگاه تهران، دوره 9، شماره 3، صفحه 153-172.
موسوی، سید کاظم و اشرف خسروی (۱۳۸۷) بیونده خرد و اسطوره در داستان زال. پژوهشگاه علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی. شماره 88: 208.

حسن هرمان (۱۳۷۵) سیدنار. ترجمه نیویز داریوش، چاب پنج، تهران: اساطیر.

پونکی، کارل گوستاو (۱۳۸۷) انسان و افسانه‌های منظومه. ترجمه محمود سلطانی، چاب ششم، تهران: جامی.

پونکی، کارل گوستاو (۱۳۷۷) تحلیل رزی. ترجمه رضا رضایی، تهران: افکار.

پونکی، کارل گوستاو (۱۳۷۲) جهان‌گری. ترجمه جلال ستاری، تهران: افکار.